

جان است. ولی نقش معلمان، متعالی ساختن جسم و جان است.

چه کسی غیر از معلمان می تواند علامه طباطبایی ها، خمینی ها، مطهری ها و هزاران هزار گوهر و در گران بها تربیت کند؛ نه در و گوهر مادی، بلکه گوهری که ارزش و قیمت در عرش کبریایی دارد.

معلم می سوزد و از این سوختن، توفعی جز رضایت حق تعالی ندارد. ولی آن که خاک را به طلا تبدیل کند، توقعاتی دارد، البته مادی.

کدام تبدیل بهتر است؟ تبدیل خاک به طلا، یا نشان دادن راه از چاه و نمودن صراط مستقیم که آخرش به لقاء الله ختم می شود.

چه میزان طلا را می توان با تفسیرالمیزان مقایسه کرد؟ آیا این قیاس درست است؟ چه قدر طلا را می توان با شعری زیبا و معنوی چون «علی ای همای رحمت» مقایسه کرد؟ خوب چه کسی این نقش الهی را در جسم و جان طفل متبلور می کند. تا او علامه ای گران قدر شود! و باز هم نقش تبدیل خاک به طلا، نقش فیزیکی دو جسم است که دیر یا زود ارزش خود را از دست می دهند، ولی ارزش نقش معلمان مانند ارزش کار پیامبران الهی است و تا ابد چنین خواهد بود.

تبدیل خاک به طلا، تبدیل جسمی به جسمی با ارزش تر است؛ البته از لحاظ تبدیل دو ماده ی بی روح یعنی تغییر ظاهری دو جسم.

ولیکن نقش معلمان، نقش از قوه به فعل درآوردن خلیفه الهی است و رهنمون کردن به سوی صراط مستقیم.

معلمان می سوزند تا انسان بسازند؛ که این امانت الهی بسی گران بها تر از طلاست. و اما کیمیاگر می سازد تا سودایی به دست آورد؛ سودای تبدیل خاک به طلا.

طلا سمبلی از فلزات پر ارزش است. زیرا زنگار نمی گیرد و دیر فرسوده می شود و وقتی بر تن انسان افزوده می شود، جلوه گری می کند. و اما طفل خمیرمایه ای است که معلمان نقش معنوی بر آن می زنند و مس جان آنان را به طلای انسان بودن تبدیل می کنند. این نقش هزاران بار ارزشمندتر از نقش تبدیل خاک به طلاست.

نقش معلمان، ساختن و سوختن است. کار درد است و درمان، و کارسوز است و ساز. اوست که بالاتر از تبدیل خاک به طلا را جلوه گری می کند. معلم است که نام الله و معصومین را بر قلوب پاک دانش آموزان حک می کند تا این اسما تا ابد در روح و جان آنان طلایی بمانند.

خاک را به طلا تبدیل کردن، تبدیل دو جسم بی روح و

این مقاله یکی از پنج مقاله ی برگزیده ی مسابقه ی «نقش معلمان از تبدیل خاک به طلا» با ارزش تر است می باشد، یادآوری می شود، این مسابقه در دوره ی گذشته (۸۷-۱۳۸۶) در مجله برگزار شد.